متفاوت

گنج پنهان قانون

گزارش از: وفا شمس

آسانسور پایین نمی آید، زن بی حوصله است و مدام با نگاه خشم آلودش عقربه های ساعت را تعقیب می کند، به دکمه آسانسور فشار می آورد ولی بی نتیجه است. نگاهی به برگه هایی که در دستش مچاله شده اند می اندازد، تصمیمش عوض می شود. پله ها را یکی دوتا می کند تا می رسد اما باید به انتظار بنشیند، نگاهش می کنم شاید چیزی بگوید.

۸سال است که مدام به دادگاه خانواده می آیم. ۴ قاضی در شعبه... عوض شدند، اما من و پرونده ام همچنان هستیم. دفترداران، عریضه نویسان و مأموران حراست دیگر مرا خوب می شناسند. یکی از دفترداران همیشه به من می گوید: «کارآموزی دوره وکالت را خوب می گذرانی، کارت تمام شد برو وکیل شو!» آه می کشد؛ «خودم کردم که لعنت بر خودم باد. می دانم چوب نادانیم را می خورم. دانشجوی سال دوم مامایی بودم که در این گرداب افتادم. اوایل فکر می کردم به خاطر علاقه زیادش هست که هر روز سر ساعت مرا می برد دانشگاه و سر ساعت هم می آورد خانه! ساعت کلاسهایم را بهتر از من می دانست ولی این شدت علاقه! تبدیل به بیماری شد که طبیبش هنوز به دنیا نیامده بود. ترک تحصیل و خانه نشین شدن و تحمل بداخلاقی و خست و کینه توز بودنش دیگر رمقی برای من نگذاشته بود.»

به نقطه ای خیره می شود سری از روی تأسف تکان می دهد و آنگاه لبخند تلخی بر لبانش نقش می بندد: «مهریه بالا... عجب پس انداز کلانی شد!

ولی من نه مهریه می خواهم نه نفقه نه هیچ چیز دیگر، فقط هوای تازه می خواهم همین!»

و هزاران دختر و زن دیگر در سالهای گذشته آمده اند و در آینده نیز همچنان خواهند آمد بدون آنکه به تمام آنچه می خواهند برسند می روند. شاید آنها هم مثل تمام دختران و زنان اطرافمان فراموش کرده اند که حقوق قانونی دارند که می تواند کلیدی برای قفل های زنگار گرفته تعصبات کاذب باشد و این فراموشی، ندانستن و یاد نگرفتن آغاز یک رنج بزرگ زنانه است.

صحبت کردن پیرامون حقوق زن در جامعه ایران مسأله ای است که در چندسال گذشته جامعه شناسان، حقوقدانان و صاحبنظران زیادی در مورد آن بحث کرده اند، ولی نتیجه چه بوده است؟ ظاهراً می توان با نگاهی دیگر نیز موضوع را بررسی کرد. «دانستن و آگاهی داشتن، این واژه سه کلمه ای می تواند دریچه ای را به روی زن ایرانی بازکند. آنها چقدر به حقوق خود در قانون اساسی واقف هستند؟!

قانون مدنی طلاق را منحصراً برای مرد تعیین کرده و مرد می تواند با تمسک به مفاد ماده۱۱۳۳ قانون مدنی مبادرت به طلاق کند. اما آیا زنان می دانند که با گرفتن حق طلاق هنگام ازدواج می توانند به حداقل حقوق خود دست پیدا کنند؟ این مسأله در مورد حق اشتغال و حق تحصیل نیز صدق می کند. دانستن این نکته نه چندان دشوار، نیاز به دوراندیشی زنان دارد وعنوان کردن این قبیل مسائل هنگام ازدواج می تواند در ترسیم قانون مؤثر باشد.

بیش از ۹۵ درصد از زنان چه قبل و یا بعد از ازدواج به حداقل حقوقی که قانونگذار برای آنان تعیین کرده آشنایی ندارند

جهل حقوقی مردان کمتر از زنان نیست ولی قانون ناخودآگاه به نفع مردان است در همه ابعاد خانمها متأسفانه ضرر بیشتری متحمل می شوند

قانون کتابی است که خواندنش زمان خاصی می طلبد

کامران کاظمی وکیل پایه یک دادگستری اعتقاد دارد بیش از ۹۵ درصد از زنان چه قبل و یا بعد از ازدواج به حداقل حقوقی که قانونگذار برای آنان تعیین کرده، آشنایی ندارند: «متأسفانه حتی بسیاری از دختران تحصیلکرده و آگاه به مسائل حقوقی به دلیل حجب و حیای شرقی خود تمایلی به اشاره این نکات قانونی ندارند. به همین دلیل این موضوع چیزی مانند برگه های از پیش چاپ شده است که فاقد قدرت اجرایی مناسب است. زنان زمانی از حقوق خود آگاهی می یابند که دیگر وقتی برای جبران مافات نیست.»

کاظمی می گوید: «دولت از طریق آموزش و پرورش در خصوص این مسأله در دو، سه سال گذشته اقداماتی انجام داده و مبادرت به تألیف کتابی در مورد آموزش حقوق به دختران کرد».

علی زرافشان مدیرکل برنامه ریزی وتألیف کتب درسی در پاسخ به این سؤال که چرقه زده شده اکنون در چه مرحله ایست؟ می گوید: «کتابی که صرفاً حقوق دختران را آموزش دهد تألیف نشد بلکه کتابی با محتوای عمومی بود و موضوع آن اشاره به برخی موارد خاص داشت که برای آموزش طرفین (دختر و پسر) لازم بود. مسائلی از قبیل نفقه، حق تحصیل، مهریه که جوانان بایستی هنگام عقد از آن آگاهی داشته باشند».

وی ادامه می دهد: «طی بررسی هایی که با دفاتر امور زنان و دیگر همکاران کردیم به این نتیجه رسیدیم که بحث حقوق زنان و آشنایی آنان با قوانین زمانی می تواند جوابگو باشد که طرف مقابل نیز به این حقوق آشنایی داشته باشد فرضاً اگر زن یا دختر حقوق خود را بداند اما پسر نداند که چه حقوقی را باید ادا کند، به همین منظور کتاب مزبور در خصوص پاسخگویی به حقوق طرفین تألیف شد، اگر نه به جای گام مؤثر و پیشرفت در این زمینه با کشمکش و ناهنجاری مواجه می شدیم».

«راهنمای حقوقی» دو سال است که تألیف شده و در تمام رشته های دبیرستان به صورت درس اختیاری قرار گرفته است.

آموزش حق زوری نیست

کامران کاظمی اعتقاد دارد که حق یادگرفتنی وآموزشی نیست چون اگر زوری و تحمیلی باشد به سرعت از ذهن خارج می شود «همه به این فکر می کنند که به چنین آگاهی ای احتیاجی ندارند چون راه زندگی کردن را بلد هستند و فرا گرفتن فقط مخصوص دیگران است. به همین سادگی از این مهم می گذرند».

این حقوقدان می گوید به نظر می رسد که با یک دوراهی جدی رو به رو هستیم. یا آنکه آگاهی نداریم و یا اگر هم سعی می کنیم قوانین را فرا گیریم با مشکلات دیگری روبرو می شویم. مشکلاتی نظیر ناسازگاری با عرف جامعه ویا تبدیل شدن به مهره ای اختیاری که به راحتی مات می شود.

آیا به تمام دروس دوران تحصیل - که اجباری است و نه اختیاری - نیازمندیم و آیا آشنایی با حقوق فردی و انسانی خود آنقدر بی اهمیت است که در صف گروه دروس اختیاری قرار گیرد؟

وی معتقد است با آشنایی به حقوق خود می توانیم عاشقانه تر زندگی کنیم: «جهل حقوقی مردان کمتر از زنان نیست ولی قانون ناخودآگاه به نفع مردان است در همه ابعاد، خانمها متأسفانه ضرر بیشتری متحمل می شوند زن می اندیشد می توانست ازدواج نکندولی حالا که این امرصورت گرفته راه جدایی وخلاص خود را خیلی دور می بیند، مایلم به نکته ای اشاره کنم و آن بحث «مهریه» است. به مهریه نباید تنها از منظر حقوقی نگریست بلکه بایستی دیدگاهی اجتماعی به آن داشت، زن مهریه خودرا از ۱۰۰۰ سکه به ۳۰۰ سکه تبدیل می کند چرا که اگر ازدواجش با بن بست مواجه شده می داند که گرفتن ۳۰۰ سکه بسیار راحت تر از ۱۰۰۰ سکه است».

نهادینه کردن حقوق فردی (بدون در نظر گرفتن جنسیت) از بدو تولد و راههای آموزش از طریق غیرکلاسیک در جامعه ای که پدر سالار و مادرسالار در آن معنا ومفهومی نداشته باشد می تواند ما را در احقاق حقوق خود توانمند کند.

کاظمی تزریق حس «آشنایی به حق و حقوق» بعد از خلأ را بی نتیجه می داند. وقتی با مشکلی مواجه می شویم، دوره آموزشی می گذاریم، شل گرفتن و یا سخت و سفت گرفتن آن نتیجه ای نمی دهد و بعد از آن هم تنها به فراموشی نیاز داریم که همیشه درحال وزیدن است!!

زن حالا دیگر روی نیمکت دادگاه ننشسته است. چشمانش خستگی ۸ سال دوندگی در راهروهای عدالت را سوسو می زنند. راستی او می توانست در این ۸ سال چه فرصتهای پرشماری برای کشورش فراهم کند؟

اما نتوانست چون نمی دانست مثل من، تو و تمام مایی که در کوچه وخیابان و دانشگاه فکر می کنیم همه چیز را می دانیم غافل از اینکه حتی به جزیی ترین حقوق خود نیز آگاهی نداریم.

چالش های حقوقی زنان

صیغه طلاق و پرداخت تمامی حقوق زن

معصومه رحمانی
وکیل دادگستری و مشاور حقوقی

مطابق ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، تمامی زوج هایی که از تاریخ تصویب قانون مزبور قصد جدایی از یکدیگر دارند، باید جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص (در حال حاضر دادگاه خانواده) مراجعه نمایند. چنانچه اختلاف آنها از طریق دادگاه و حکمین برگزیده مورد تأیید دادگاه، حل و فصل نگردید، دادگاه مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش جهت ارائه به دفتر اسناد رسمی طلاق می کند.

دفتر طلاق، حق ثبت طلاق هایی را دارد که دادگاه در آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر کرده باشد. در غیر این صورت از سردفتر خاطی مطابق مقررات مربوط به دفاتر اسناد رسمی، سلب صلاحیت می شود.

لازم به ذکر است که در گواهی صادره از دادگاه تمامی موارد مربوط به حق و حقوق زوجه و نحوه پرداخت آن ذکر می شود که دفاتر اسناد رسمی مطابق مفاد آن گواهی باید عمل نمایند.

تبصره ۳ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق نیز، اجرای صیغه طلاق وثبت آن در دفتر، موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوجه به صورت نقد کرده است و تبصره ۶ قانون فوق الذکر بیان می دارد: «پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدواً از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می نماید.» مطابق قانون تفسیر تبصره های ۳ و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۳/۶/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام): «نظر به اینکه در مورد تبصره های ۳ و ۶ «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» که با اصلاحاتی در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۸ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، جمعی معتقدند مستفاد از تبصره ۳ قانون مذکور این است که تمامی حقوق زوجه نسبت به زوج اعم از نفقه و جهیزیه و مهر و غیر آن (که اجرت المثل(۱) خدمات زوجه و نحله(۲) که در تبصره ۶ آمده نیز از حقوق زوجه است) باید قبل از اجرای صیغه طلاق به زوجه تأدیه شود و در حقیقت تبصره ۶ مصداق برای تبصره ۳ تعیین می کند، و مکمل آن است.»

و عده دیگری معتقدند اجرت المثل و نحله که در تبصره ۶ قانون آمده است پس از اجرای صیغه طلاق با درخواست مجدد زوجه از دادگاه باید رسیدگی شده و حکم در مورد آن داده شود و رسیدگی به آنها قبل از اجرای صیغه طلاق وجهه قانونی ندارد.

۱- اجرت المثل: اجر مادی زن است در انجام کارهای منزل، چون زن از انجام کار منزل هیچ وظیفه ای ندارد؛ بلکه وظیفه او در زندگی مشترک تمکین از شوهر است.

۲- نحله: هبه و بخشش مالی از زوج به زوجه به صورت بلاعوض و مجانی.

امتیازات حقوق زن در قانون

دکتر حسن حمیدیان
مدیر کل هماهنگی امور استانهای قوه قضاییه

قانونگذار حقوق خاصی را برای زن در قانون پیش بینی کرده است که زنان با آگاهی از آن می توانند در مواقع لزوم از آن به نفع خویش استفاده کنند که در زیر به آنها به صورت اختصار اشاره می شود:

حق زن در استحقاق نصف مهریه قبل از عروسی:

طبق ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی هر گاه شوهر قبل از ازدواج زن خود را طلاق دهد زن او مستحق نصف مهریه خواهد بود و باید نیمی از مهریه را به همسرش پرداخت نماید.

حق زن در مهریه ازدواج موقت:

در صورتی که در نکاح موقت مهریه تعیین نگردد طبق ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی آن نکاه باطل است. زیرا تعیین مهریه در این نوع از نکاح از ارکان اصلی آن است. اما در نکاح دائم اگر مهریه تعیین نگردد بعد از عقد هم می توانند با تراضی هم تعیین نمایند. ضمناً عدم ازدواج مرد با زن در نکاح منقطع موجب سقط مهریه زن نمی گردد (طبق ماده ۱۰۹۶ قانون مدنی) و اگر قبل از ازدواج تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهریه زن را پرداخت نماید.

حق زن در مساله فسخ نکاح:

طبق ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی هر گاه عقد نکاح به موجب ناتوانی و عنن مرد فسخ شود زن مستحق نصف مهریه خواهد بود.

حق زن در مساله نفقه:

طبق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم نفقه زن بر عهده شوهر است. حتی مخارج شخص زن حتی اگر دارای ثروت کلان و درآمد اقتصادی مستقل هم باشد الزامی ندارد که از اموال شخص خود مخارج و مایحتاج زندگی خویش را تأمین نماید زیرا وظیفه مرد است که براساس مقررات شرعی و قانونی نفقه همسر خویش را بپردازد. و این امر یعنی مسأله واجب بودن نفقه از مسلمات حقوق اسلامی است. نفقه شامل مسکن و لباس و اثاثیه منزل که باید متناسب با وضعیت و شئونات زن باشد حتی اگر زن به داشتن خادم عادت داشته است و یا به واسطه بیماری و نقص عضو نیاز به خادم داشته باشد آنها را نیز شامل می شود.

حق زن در مقدم بودن نفقه او بر نفقه سایر افراد واجب النفقه:

نفقه زن بر نفقه سایر افراد واجب النفقه مثل پدر و مادر و اولاد و غیره مقدم است لذا در صورت فقر و اعسار زوج دادگاه باید حق تقدم را در این خصوص مراعات نماید. و اگر مرد با داشتن دارایی و قدرت از پرداخت نفقه خودداری نماید زن می تواند با مراجعه به دادگاه نفقه خود را از اموال او برداشت نماید. ضمناً در صورتی که مرد نفقه همسر خویش را نپردازد نفقه ایام گذشته به صورت دین بر ذمه زوج قرار می گیرد. و همانند سایر دیون ساقط نمی گردد در صورت فوت زوجه همانند سایر طلب های وی به ورثه منتقل می گردد.

حق نفقه در ایام طلاق رجعی:

طبق ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است و در سایر طلاقها نیز اگر زن بعد از طلاق حامله باشد مستحق نفقه از شوهر قبلی خود خواهد بود.

حق زن در مراجعه به دادگاه در صورت عدم پرداخت نفقه:

اگر مرد از پرداخت نفقه خودداری نماید طبق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی زن می تواند به دادگاه مراجعه و دادگاه نیز میزان نفقه را تعیین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد و ضمناً از نظر کیفری نیز ترک انفاق جرم است و در صورت اثبات ترک انفاق محکومیت کیفری برای زوج در پی خواهد داشت.

حق زن در انتخاب محل سکونت:

طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی در صورتی که در حین عقد زن شرط نماید که اختیار تعیین محل سکونت با او باشد مرد موظف است در منزلی که زن تعیین می نماید سکونت نماید.

حق زن در ترک منزل شوهر در صورت خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی:

طبق ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن جداگانه ای اختیار نماید و در صورت اثبات ضرر ذکر شده محکمه حکم بازگشت زن به منزل شوهر را نخواهد داد و مرد موظف به پرداخت نفقه زن در محل جدید است (اعم از اجره و هزینه خوراک و پوشاک و غیره) ضمناً طبق ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی تا زمانی که محاکمه بین زوجین در دادگاه خاتمه نیافته باشد محل سکنی زن در صورت عدم توافق طرفین و یا بستگان نزدیک توسط دادگاه تعیین می شود.

حق زن در استفاده از حق حبس:

طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی زن می تواند تا زمانی که مهریه به او تحویل و تسلیم نشده باشد از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع نماید مشروط بر اینکه مهریه او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود یعنی با توجه بر اینکه نفقه فرع برتمکین است و زن در صورت تمکین مستحق نفقه خواهد بود اما در اینجا اگر زن از حق حبس استفاده نموده و از ایفای وظایف زناشویی امتناع ورزد باز مستحق نفقه بوده و همسر وی باید علی رغم امتناع وظایف زناشویی نفقه او را بپردازد.

نگوین تی توبت مای برنده مسابقات داوطلبان هدفهای هزاره سوم در ویتنام

سفر با دوچرخه به خاطر اهداف هزاره سوم

ترجمه پیروزبخت

نگوین وان دانگ دختر جوان ۲۳ ساله ویتنامی سفری یک ماهه را با دوچرخه به دور ویتنام آغاز کرد. هدف او از این سفر ۲۱۰۰ کیلومتری ملاقات با جوانان و آگاه نمودن آنان از هدفهای هزاره سوم (G.D.M) بود. این حرکت «وان» الهام بخش یکی دیگر از هموطنانش شد.

نگوین تی توبت مای دختر ۲۴ ساله ویتنامی سفر خود را با وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس شروع کرد. در این سفر او به دیدار همان گروههایی که وان در مناطق فقیرنشین ملاقات کرده بود، رفت تا آنان را از تلاشهایی که در سراسر کشور برای رسیدن به هدفهای هزاره سوم انجام گرفته است، آگاه کند.

مای سفر خود را در دوم سپتامبر (روز ملی ویتنام) آغاز کرد و در روز ۵ دسامبر (روز جهانی داوطلبان) به پایان رسانید. در پایان سفرش آرزو کرد داستان سفر او سبب تشویق رسانه ها و سایر دانشجویان شود و کار او را ادامه دهند.

جوردن رایان یکی از فعالان سازمان ملل در ویتنام گفت: سفر برای اهداف هزاره سوم یک سفر طولانی و سخت است.

ما از اینکه جوانان ویتنامی با امیدواری و خوش بینی و روحیه داوطلبی به این کار مبادرت می ورزند، بسیار خوشحالیم. اگر کشور ویتنام از انرژی و تلاش جوانانی چون مای بهره برداری کند، از سایر کشورها موفق تر خواهد شد.